

علی اصغر  
فراسیون

## تصاعد مجازات

اخیراً بعنوان ضرورت تشدید مجازات رانندگان متخلف مقالاتی در جرائد منتشر میشود و یکی از صاحب نظران ضمن اظهار عقیده نسبت به تصاعد تشدید پیشنهاد کرده بود که متخصصین پیاده را پلیس به کرج ببرد و جایی پیاده کند که ناچار پیاده مراجعت کنند.

در مورد تشدید مجازات اشخاص متفرقه بعضاً بدون دقت و مطالعه باشکال گوناگون اظهار سلیقه کرده اند ولی عقیده بدون استدلال نتوانسته و نخواهد توانست افکار عمومی را اقناع و مدیران مسئول را ارشاد کند.

قبل از اینکه راجع به رجحان تناسب بر تشدید بحث شود باید این نکته را

تذکر داد که در قوانین معقول و منطقی سعی بلیغ میشود که مجازات را از نوع انگیزه جرم و تخلف استخراج کنند و با اعتقاد باین فلسفه نباید مجازات خلاف «سرعت غیر مجاز» جریمه نقدی باشد زیرا اگر مجازات تند رفتن صد تومان یا در اثر تصاعد تشدید هزار تومان جریمه شود در واقع اجازه ضمنی میدهیم که افراد پولدار معابر را جولانگاه و میدان مسابقه کنند یعنی در چنین محیطی هر کس پول داشته باشد بهسولت تن به قضا میدهد ولی اگر مجازات از انگیزه «خلاف» و از علت تخلف استخراج شود و بجای جریمه نقدی پلیس حق داشته باشد در صورت امکان بلافاصله پس از مشاهده تخلف و الا در اولین برخورد بعدی مأمورین باد لاستیک وسیله نقلیه مرتکب خلاف را خالی کنید کسی باعتبار پول جیش به آئین- نامه و مقررات عبور و مرور دهن کجی یا در اجرای نظارت آن سهل انگاری و بی- اعتنایی نمی کند یعنی چون علت و انگیزه ارتکاب استفاده یا سوء استفاده از وقت است و بجای پرداخت وجه در معرض این مجازات قرار میگیرد که وقت و بیوقت دچار تخلیه باد لاستیک و معطلی در جاده و احتمالاً بازماندن از کار مهمی قرار گیرد بیم معطلی و اتلاف وقت یا دیرتر رسیدن بمقصد او را از سرعت بی جابر حذر می- دارد.

اما این را هم باید دانست که اگر شنیده یا دیده اید که در بعضی از کشورها وقتی عابر پیاده بجای عبور از خطوط و نقاط مجاز و مشخص بخيال خود راه را کوتاه می کند و از عرض خیابان در محلی غیر مجاز می گذرد پلیس او را می برد و جایی پیاده می کند که مجبور باشد راه بیشتری برود مولود و معلول همین منطق ضرورت استخراج مجازات از انگیزه جرم و تخلف است ولی این تقلید در محیط و منطقه ای که از لحاظ خصایص و شرایط مشابه و یکسان نیست نمی تواند مفید فایده باشد کما اینکه در کشور خودمان بی فایده بلکه مضر خواهد بود زیرا ما در وظائف متقابلی که در مقابل رانندگان داریم کوتاهی کرده ایم و با آنها که چنین مجازاتی می کنند

یکسان نیستیم.

در آتن قانونی وضع شده بود که در سه مورد پسر را بعنوان عدم اتفاق پدر مجازات نکنند، اول در موردی که پدر آن پسر را از وصلت نامشروع بوجود آورده باشد دوم در موردی که آن پدر پسر را بکار نامشروع بگمارد سوم هم در موردی که آن پدر به پسر خود حرفه‌ای، هنری، صنعتی، زراعتی که وسیله امرار معاش باشد نیاموخته باشد.

ماه‌های وقت‌ی و وظائف خود را نسبت به رانندگان و عابری‌ن و نیازمندی‌های محیط شهر و مسیر راه انجام نمی‌دهیم حق نداریم یکطرفه از آنها بخواهیم که مقررات ما را اجرا کنند در محیطی که پیاده‌روها را اجاره می‌دهیم و با صدور جواز کسب یا سکوت و مسامحه، با نصب کیوسک و برپا کردن چادر پاسگاه و فروشگاه و انواع موانع و با حفر کانال و چاله چوله راه را بر مردم می‌بندیم و عابر برای فرار از موانع و مشکلات پیاده‌رو ناخودآگاه به وسط خیابان پناه می‌برد حق نداریم با آنها مطابق قوانین اروپائی رفتار کنیم.

آنجا که بعنوان «توقف ممنوع» راننده را مجازات می‌کنند متناسب نیازمندی‌های شهری در نقاط مختلف توقف‌گاه تأمین کرده‌اند و بخوبی میدانند که وقتی گوش انسان می‌خارد اگر دستش بسته باشد سرش را بدیوار می‌ساید و در محلی که بفواصل متناسب شهرداری مستراح عمومی نداشته باشد هر قدر مجازات تخلیه در خیابان سنگین باشد احتیاج کار خودش را می‌کند و مانع ترشح و تخلیه نمی‌شود.

نغمه تشدید مجازات رانندگان که گاهی شنیده و تکرار می‌شود ناشی از عصبانیت یعنی با احساس نزدیک و از عقل دور است زیرا در صورت دقت درک و تصدیق می‌کنیم که وضع کیفر شدید و تشدید تصاعدی هرگز نخواهد توانست که هنگام اجابت معده مانع از تخلیه باشد یا هنگام تصادف مست را هشیار، خواب را بیدار، چاله را هموار و نقص فنی را رفع و تعمیر کند.

تجربه و تاریخ ثابت کرده است که کیفرهای متناسب و ملایم در ذهن افراد بیشتر تأثیر می‌کند و کیفرهای سخت و شدید یا بعبارت دیگر بی‌تناسب بجای اینکه در جلوگیری تأثیر و تسریع کند فقط قوه محرکه حکومت را فرسوده و افکار مردم را بمجازات سخت معناد میکند و همان مردمیکه با تنبیهات خفیف متأثر میشدند باید با تنبیه شدید متأثر شوند و رفته رفته ترس از مجازات شدید کم میشود باز مجبور میشوند بر شدت بیافزایند و سیر تصاعدی بطرف بربریت می‌برد بدون اینکه نتیجه‌ای برای اصلاح اخلاق عمومی داشته باشد.

بحکایت تاریخ يك وقتی راهزنی در چین خیلی متداول بود برای جلوگیری از آن شکنجه چرخ را اختراع کردند و این شکنجه مدتی از راهزنی کاست ولی بعد از آن نیز عادی و فراوان شد.

در روسیه مجازات سرقه را اعدام قرار دادند ولی بجای کاهش سرقه سرقه‌ها را توام با قتل کرد و ناچار در هر دو کشور تشدید را به تناسب تبدیل کردند. توجه بفرمائید که برای جلوگیری از فرار نظامیان در جنگ کیفر را اعدام قرار داده‌اند ولی این کیفر که اشد مجازات‌هاست مانع فرار یا وسیله تقلیل فراریان نشده زیرا سربازی که خود را در معرض مخاطرات این شغل قرار داده و پیوسته در معبر مرگ است این مجازات را حقیر می‌شمارد اما اگر همین سرباز عادت کند که از ننگ بترسد ممکن است کیفری به او بدهند که آناش در تمام عمر باقی بماند.

کم کم داریم باین نتیجه میرسیم که تشدید مجازات در اغلب موارد تخفیف مجازات است زیرا اگر مثلاً مجازات رانندگی بدون پروانه را اعدام قرار دهیم در واقع به مجازات قتل عمدی تخفیف داده‌ایم و یک چنین تشدیدی علاوه بر اینکه عواطف و احساسات قضاة شریف را به تبرئه متهم جلب و دعوت می‌کند برای دسته کمیاب یا نایاب دیگری مظنه رشوه را بالا می‌برد و در بعضی موارد راننده بی- پروانه را که بناحق در معرض خطر اعدام قرار میگیرد بارتکاب جرائم دیگری سوق

میدهد.

منتسکیو در روح القوانین ضمن تخطئه و رد تشدید مجازات میگوید این نکته را نویسندگان چین دائماً خاطر نشان میگردند زیرا در کشور چین هر قدر بر شدت مجازات افزوده می‌شد بهمان اندازه کشور با انقلاب نزدیک‌تر میگردید و هر قدر اخلاق مردم فاسدتر میشد بر شدت مجازات میافزودند.

در مورد حوادث رانندگی باید این نکته را در نظر گرفت که وقایع قتل غیر عمد ناشی از وسائط نقلیه با توجه بمفهوم و معنی «غیر عمد» بر اثر قصد و اراده راننده واقع نمیشود تا بتوان گفت که با تهدید به تشدید مجازات از آن جلوگیری شود و تصادف و قتل غیر عمد کاری نیست که بتوان فرض و تصور کرد که اگر مجازات آن کم یا متناسب باشد مردم بعلت کمی مجازات مرتکب قتل میشوند و نمی‌توان باور کرد که اگر طناب خیلی ارزان باشد کسی بعلت کمی کار و ارزانی بازار طناب بخرد و خودش را خفه کند.

بنابراین در يك حکومت معتدل بجای تخفیف یا تشدید مجازات باید سراغ تعدیل و تناسب مجازات رفت و با چراغ گذشته و تجارب دیگران راه آینده را روشن کرد و توجه داشت که بشهادت تاریخ در تمام کشورهای اروپا بهر اندازه که بدانش و بینش و آبادی و آزادی نزدیکتر و یا از آنها دور شده‌اند بهمان اندازه از شماره کیفرها کاسته یا افزوده شده است.

ولی در کشورهای خشن و افراطی مردم بقدری بدبخت هستند که تأسف بر زندگی بیشتر از ترس از مرگ است. بدبختی بحدی است که مردم از مرگ باکی ندارند و بنابراین رنج زندگی بیشتر موجب وحشت است تا ترس از مرگ و کرا را دیده شده است که در فواصل کوتاه با طغیان و عصیان، حکومت دست بدست گشته و مردم بسهولت تن بآتش میدهند و تشدید مجازات تأثیری نداشته و ندارد و مجازات شدید عادت و کم اهمیت شده است.

در یکی از دهات نزدیک تهران کدخدائی گاوی داشت که صبح از جا بر نمی-  
خاست و هر روز صبح چند نفر میآمدند لنگ روی سرش میانداختند و چوب قبان را  
زیر شکمش رد میکردند و یا علی می گفتند و شلاقی میزدند و دسته جمعی بلند میکردند  
تا گاوی پا می شد. کم کم این روش عادت شده بود و وقتی گاوی لنگ و جمعیت را میدید  
یک قدری شکم را بالا میگرفت که چوب قبان را رد کنند و باین طریق از جا بر میخواست  
حالا من هم وقتی پارکینگ یا محل مجاز پیدانمی کنم و بضرورتی در نقطه ای توقف  
می کنم یا دیدن افسر راهنمایی و رانندگی جریمه را از جیب بیرون میآورم ولی  
بموازات افزایش نرخ توقف بر قیمت جنس و اجرت کار می افزایم و معتقد شده ام که  
تشدید مجازات زیانهای بسیار دارد بدون اینکه سودی داشته باشد  
تشدید مجازات کار کشورهایی است که اساس را بر ترس و وحشت بنا

گذاشته باشند و هرگز در حکومت مشروطه و سلطنت یک پادشاهی که از عفو جین  
قدرت لذت می برد و حتی بمجازات دشمنان شخص خود تخفیف داده یا از کیفر آنان  
صرف نظر کرده و اندیشه و افکارش سرشار از مهر و عطف است و حکومت خود  
را بر پایه شرافت و تقوی و دانش و بینش قرار داده شدت مجازات مطبوع و متناسب  
نیست.

در حکومت دانش و شرف دولتها و قانون گزاران کمتر میکوشند که جرائم  
را کیفر دهند بلکه بیشتر سعی می کنند که از وقوع جرائم جلوگیری شود و ب مردم  
دقت و مراقبت و اخلاق خوب تعلیم نمایند نه شکنجه و عذاب و شدت عصبانیت!  
اگر کسی خیال کند که تکرار تشدید و افزایش جرائم نقدی اثر مفید دارد یا  
برای دولت از لحاظ مالی کمکی است اشتباه می کند زیرا همانطور که گفتیم از  
لحاظ جلوگیری و تقلیل تخلف مؤثر نیست از لحاظ عایدی هم نمی توان گفت فایده  
دارد زیرا وقتی راننده یا عابری در اثر اضطرار یا شرایط معبر و مسیر یا علل دیگری  
مرتکب خلاف یا جرمی غیر عمد شد و در اثر شدت و عدم تناسب مجازات مقداری

از عایدی خود را از دست داد و خواه ناخواه از امکانات تغذیه و ترفیه و تعلیم و تربیت خانواده و فرزندان خود کاست ضعف و مرض و عقب ماندگی های ناشی از این تشدید مجازات در افراد و اعقاب خانواده اش آثاری می گذارد که فردا چرخهای دولت را در پاسگاه و کلانتری و بیمارستان و تیمارستان و زندان و دادگستری می-فرساید و غیر از آثار سوئی که از لحاظ حفظ و حمایت عناصر ثبات ملی دارد از نظر مالی و مادی تومانی دوسه تومان برگشت پیدا می کند.

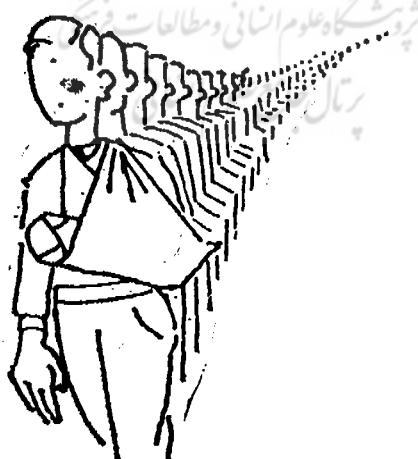
پس بهتر این است که بجای تشدید مجازات در فکر تناسب مجازات و اندیشه تعدیل مجازات باشیم و حتی در مورد قتل غیر عمد ناشی از رانندگی بجای تهدید و ارعابی که بهیچوجه نمی تواند مانع وقوع حوادث غیر عمد گردد علل و عوامل موجهه را جستجو کنیم و قبل از مطالبه حسن اجرای وظائف رانندگان و وظائفی را که حکومت متقابلاً در مقابل آنان دارد رعایت و اجرا کنیم و هرگز باور نکنیم که رانندگان بعلت اینکه مجازات قتل غیر عمد اعدام یا حبس ابد نیست عمداً مرتکب قتل غیر عمد میشوند یا این را بپذیریم که ترس از شدت کیفر می تواند مست را هشیار، خواب را بیدار راه را هموار و وسیله نقلیه را تعمیر و آماده کار کند.

کارشناسان پیش بینی کرده اند که تعداد اتوموبیل های شخصی در جاده ها تا سال ۱۳۵۹ شمسی هر سال شش درصد اضافه خواهد شد و اگر بعد از آن هم این افزایش تا سه درصد برسد تا سال ۱۳۸۹ شمسی تعداد اتوموبیل در جاده ها چهار برابر تعداد کنونی خواهد شد.

یک گزارش بیمارستانی میگوید هر چند تعداد بیماران مبتلا بامراض قابل جلوگیری از زمان جنگ تا امروز دائماً رو به کاهش است ولی در مقابل این تنزل تصاعد تعداد تلفات جاده قرار دارد که خیلی بیشتر از کاهش آن بیماران است، و در این محاسبه عوارض و بیماریهای ناشی از گاز اتوموبیل و زیان سر و صدا و مزاحمت گاراژها و مؤسسات مسافربری داخل شهر بحساب نیامده است.

با فرض اینکه تعداد مرگ و میر کمابیش همگام و مناسب با تعداد وسائط نقلیه بالا می‌رود و با توجه باینکه هم‌اکنون بنا بگزارش اتوموبیل کلوب ایتالیا تلفات تصادفات سالیانه متجاوز از چهارصد هزار نفر احصاء شده است و با در نظر گرفتن اینکه بحکایت آمار هفده درصد از تصادفات در جاده‌ها ناشی از ترکیدن لاستیک است ما بدون توجه به اهمیت قدرت و مقاومت لاستیک و ضرورت دقت در میزان باد و آشنا ساختن متصدیان به صداقت درجه باد و رعایت میزان صحیح و متناسب هر نوع لاستیک و بدون اعتنا به صلاحیت علمی و فنی متصدیان تعویض و تعمیر و غافل و فارغ از مراقبت در عناصر فرماندهی اتوموبیل و سهمی که چگونگی معابر شهری و بیابانی در کاهش و افزایش حوادث رانندگی دارند فقط و فقط علاج کار را در تصاعد مجازات می‌جوئیم

خدا رحمت کند آفاشیخ عباس قزوینی را که از اصطلاحات جدید پارانتر را یاد گرفته بود هر جا که نمی‌فهمید یا نمی‌توانست بفهماند و هر جا که معنی یا املاء لغتی را نمی‌دانست پارانتر (...) می‌گذاشت و مطلب را بین الهالین می‌نوشت و معتقد بود که مشکل را پارانتر حل می‌کند.



دست شکسته وبال گردن